

«چرا پلیس به زنان گواهینامه‌موتور نمی‌دهد؟»

روزنامه ایران در مقاله‌ای به گواهینامه موتورسیکلت زنان، پرداخته است. در بخشی از این مقاله آمده است: «در سال‌های اخیر، حضور زنان موتورسوار در معابر شهری بیش از گذشته به چشم می‌خورد؛ حضوری که با یک چالش بزرگ حقوقی روبه‌رو است؛ «نداشتن گواهینامه». این موضوع نه تنها یک چالش اجتماعی، بلکه یک گره حقوقی در نظام تقنینی ایران است. پرسش اصلی اینجاست که آیا قانون صراحتاً رانندگی موتورسیکلت را برای زنان ممنوع کرده است یا صرفاً ساز و کاری برای صدور گواهینامه آنها پیش‌بینی نشده است؟ نقطه ثقل این بحث، تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (مصوب ۱۳۸۹) است. این تبصره مقرر می‌دارد: «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است.» از منظر حقوقی، استفاده از واژه «مردان» در این ماده، موجب ایجاد دو قرائت متفاوت شده است.

پلیس راهور با تکیه بر مفهوم مخالف این ماده، معتقد است که قانون‌گذار اجازه صدور گواهینامه را صرفاً محدود به آقایان کرده است. در مقابل، تحلیل‌های علمی حقوقی بر این پایه استوار است که طبق اصل اباحه، هر فعلی که در قانون جرم‌انگاری نشده باشد، مجاز است و رانندگی بانوان با رعایت موازین، در هیچ‌کدام از قوانین کیفری ایران به عنوان «جرم» شناخته نشده است. با این حال، نتیجه عملی این ابهام حقوقی، محرومیت بانوان از پوشش‌های بیمه‌ای و حمایتی است. طبق ماده ۷۳۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، رانندگی بدون گواهینامه جرم محسوب می‌شود، بنابراین تا زمانی که متن قانون اصلاح نشود یا تفسیر رسمی جدیدی ارایه نگردد، بانوان موتورسوار حتی در صورت تسلط کامل بر رانندگی، از منظر قانونی «فاقد صلاحیت رانندگی» شناخته می‌شوند. این وضعیت باعث می‌شود در تصادفات رانندگی، حتی اگر جبران‌ناپذیری در دریافت خسارت و دیه مواجه شوند، حل این چالش نیازمند بازنگری در قوانین با نگاهی به نیازهای روز جامعه و رعایت عدالت در برخورداری از حقوق شهروندی است.»

ثبت سالانه ۱۱ هزار درخواست سقط قانونی در کشور

مدیر کل امور معاینات بالینی سازمان پزشکی قانونی کشور ۲ شرط سقط جنین قانونی را تشریح کرد و گفت: سالانه ۱۱ هزار درخواست سقط جنین قانونی دریافت می‌شود.

دکتر فرزانه مهدی‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، درباره سقط جنین قانونی، گفت: در برخی موارد، بارداری برای سلامت مادرخطرناک است، یعنی با ادامه بارداری جان مادر به خطر می‌افتد و یا آنکه به دلیل ناهنجاری یا بیماری جنین با به دنیا آمدن او مادر در مشقت و حرج غیرقابل تحمل می‌افتد؛ در این موارد بر اساس ماده ۵۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و با بررسی کامل شرایط مادر و جنین می‌توان اجازه ختم بارداری را در صورت رأی قاضی دال بر جواز سقط قانونی صادر کرد و این کمیسیون کارشناسی سقط جنین قانونی، با حضور قاضی، متخصص متعهد و پزشک قانونی تشکیل می‌شود.

مدیر کل امور معاینات بالینی سازمان پزشکی قانونی کشور درباره اجازه پدر در موارد سقط جنین قانونی، اظهار کرد: در این موارد آگاهی پدر از درخواست مادر مهم است اما بحث "رضایت" تنها در مورد مادر موضوعیت دارد. در بررسی این پرونده‌ها سن بارداری بسیار اهمیت دارد و فقط تا قبل از ۴ ماه قمری یا همان ۱۸ هفته و ۵ روز که هنوز روح در جنین دمیده نشده، امکان سقط قانونی وجود دارد و این سن نیز بر اساس تاریخ سونوگرافی اوایل بارداری مشخص می‌شود.

مهدی‌زاده در مورد ناهنجاری‌ها یا بیماری‌های جنینی که منجر به صدور مجوز سقط جنین قانونی می‌شود، گفت: اگر در آزمایش‌ها، سونوگرافی‌ها و یا اکوگاردیوگرافی جنین مشخص شود که جنین بیماری یا ناهنجاری دارد و مادر به پزشکی قانونی (مراکز استان) مراجعه کند، این مسئله در کمیسیون سقط بررسی و پس از آن نظر کارشناسی به قاضی اعلام می‌شود و این قاضی است که رأی نهایی را صادر می‌کند و تشخیص می‌دهد که با به دنیا آمدن این نوزاد بیمار، مادر دچار حرج می‌شود یا خیر. در این موارد، پدر باید اعلام کند که اولاً از این موضوع آگاه است و دوماً امکان نگهداری از فرزند را ندارد.

وی با تأکید بر اهمیت زمان در صدور مجوزهای سقط جنین قانونی، افزود: کمیسیون‌های پزشکی ما حتی در ساعت‌های غیراداری و روزهای تعطیل نیز موظف به پذیرش درخواست مادر هستند و در شرایط ضروری بدون فوت وقت موارد را بررسی می‌کنند. این کمیسیون پزشکی قانونی اظهارکرد: سالانه حدود ۱۱ هزار درخواست سقط قانونی به مراکز پزشکی قانونی ارائه می‌شود که از این تعداد معمولاً برای ۹۰۰۰ پرونده مجوز صادر می‌شود. معمولاً ۹۰ درصد موارد مربوط به مشکلات جنینی و بقیه مربوط به بیماری‌های مادران است.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به ارتباط طلاق و افزایش جمعیت زنان سرپرست خانوار گفت: یکی از دلایل افزایش آمار زنان سرپرست خانوار "طلاق" است و با توجه



به روند افزایش این واقعه، نگرانی درباره افزایش شمار زنان سرپرست خانوار بیش از گذشته شده است. به گزارش ایسنا، سیدحسین موسوی‌چلک در سلسله نشست‌های همایش بین‌المللی حکمرانی جمعیت و خانواده در شکل‌گیری جوامع در آینده با ارائه گزارشی با عنوان ارزیابی اثربخشی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه خانواده و فرزندپروری به بررسی سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های مرتبط با خانواده، ازدواج، فرزندآوری و حمایت اجتماعی پرداخت.

وی با اشاره به اسناد بالادستی کشور در حوزه خانواده و جمعیت اظهار کرد: در سیاست‌های کلی جمعیت موضوعاتی از جمله جوان‌سازی جمعیت و ارتقای باروری، تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری، ارتقای سلامت، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، حمایت از مادران،

هشدار درباره افزایش زنان سرپرست خانوار

قرار گرفته است. با وجود این مجموعه سیاست‌ها و قوانین، ارتقای وضعیت موجود نشان می‌دهد میان سیاست‌گذاری و نتایج حاصل از اجرای سیاست‌ها فاصله وجود دارد و لازم است اثربخشی سیاست‌ها به صورت جدی مورد ارزیابی قرار گیرد.

موسوی‌چلک با اشاره به آمار ازدواج و طلاق کشور در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ اظهار کرد: در سال ۱۴۰۴ میزان ولادت‌های کشور ما حدود ۸۹۲ هزار مورد بود؛ به‌طور دقیق، ۸۹۲ هزار و ۲۸۲ مورد رخداد ولادت داشتیم که متأسفانه نسبت به سال ۱۴۰۳، حدود ۸٫۹ درصد کاهش داشته است. در سال ۱۴۰۳ نیز نسبت به سال ۱۴۰۲ با کاهش ولادت مواجه بودیم بنابراین ما در سال‌های اخیر یک شیب کاهشی را تجربه می‌کنیم.

وی افزود: در چهار ماهه نخست امسال نیز ۲۷۷ هزار و ۳۷۱ مورد ولادت داشتیم که نسبت به چهار ماهه نخست سال گذشته، ۶٫۹ درصد کاهش داشته است البته در حال حاضر نمی‌توانیم قضاوت نهایی درباره آمار کل سال داشته باشیم و باید تا پایان سال منتظر بمانیم تا آمار دقیق مشخص شود اما به هر حال به نظر می‌رسد روند کاهشی ولادت‌ها همچنان ادامه دارد. بر اساس آمار وزارت بهداشت، نرخ باروری کل کشور در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱٫۳۶ فرزند در سال کاهش یافته است هرچند رفتار فرزندآوری زوجین متأهل بهبود یافته اما کاهش تعداد ازدواج‌ها، افزایش تجرد قطعی و افزایش سن ازدواج از مهم‌ترین عوامل کاهش باروری در کشور هستند.

موسوی‌چلک با تشریح برخی اصول سیاست‌گذاری در حوزه رفاه اجتماعی گفت: یکی از این اصول، جامعیت است یعنی خدمات متنوع و مورد نیاز جامعه باید پیش‌بینی و ارائه شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در بسیاری از حوزه‌های مورد بررسی، تنوع خدمات اجتماعی در کشور کافی نیست و این موضوع در سیاست‌گذاری‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است حتی در حوزه‌هایی مانند بهداشت و درمان

و بیمه اجتماعی نیز در مواردی به دلیل نبود منابع مالی مورد نیاز، اجرا نشده‌اند.

وی اصل دوم را کفایت عنوان کرد و گفت: سیاست کفایت شامل دو مرحله تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم و سپس ارتقای کمیت و کیفیت خدمات است؛ با این حال بررسی سیاست‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در این زمینه موفق نبوده‌ایم.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر ضرورت فراگیری خدمات اجتماعی اظهار کرد: خدمات اجتماعی باید برای همه مردم از جمله زنان سرپرست خانوار، تأمین و تقصین شود. بررسی جمعیت تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) نشان‌دهنده اهمیت توجه جدی‌تر به فراگیری خدمات اجتماعی است. وی همچنین پیشگیری را یکی دیگر از اصول مهم سیاست‌گذاری اجتماعی دانست و گفت: سیاست‌های پیشگیرانه در حوزه‌های حمایتی و بیمه‌ای نیازمند هماهنگی بین‌بخشی و فرابخشی است تا از بروز مشکلات اجتماعی جلوگیری شود. موسوی‌چلک با اشاره به ارتباط طلاق و افزایش جمعیت زنان سرپرست خانوار گفت: یکی از دلایل افزایش آمار زنان سرپرست خانوار طلاق است و با توجه به روند افزایش این واقعه نگرانی درباره افزایش شمار زنان سرپرست خانوار بیش از گذشته شده است. با وجود ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده و سایر سیاست‌های مرتبط همچنان شاهد افزایش آمار طلاق هستیم و ناکارآمدی برخی سیاست‌های موجود، اجرای ناقص آنها، همه‌جانبه نبودن سیاست‌ها و تأثیرپذیری طلاق از سیاست‌گذاری در سایر حوزه‌ها، امید به کاهش شمار زنان سرپرست خانوار از مسیر کاهش طلاق را کاهش داده است. وی در پایان گفت: ارتقای مهارت‌های زندگی خانواده و ایجاد جامعه خانواده‌محور باید در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

زنان

معرفی کتاب «خانواده نیک اختر ایرج پزشکزاد»

خانواده نیک اختر اثر ایرج پزشکزاد

کتاب «خانواده نیک‌اختر» اثر ایرج پزشکزاد، به‌تازگی به‌عنوان یکی از بهترین کتاب‌های سال ۱۴۰۴ نامدار ایرانی، ایرج پزشکزاد است. این داستان به بررسی احوال خانواده‌ای مهاجر می‌پردازد که پس از دگرگونی‌های سیاسی ایران، راهی خارج از کشور شده‌اند. شخصیت محوری داستان، محمود نیک‌اختر، مردی فرصت‌طلب و زرنگ است که به همراه همسرش بدری، در تلاش برای حفظ ظاهر و انطباق با معیارهای جدید زندگی هستند.

پزشکزاد با همان قلم تیزبین و گزنده‌ای که در «دایی‌جان ناپلئون» به کار برده بود، در این اثر نیز به کالبدشکافی تضادهای فرهنگی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه اعضای این خانواده، علیرغم تغییر محیط جغرافیایی، همچنان کولباری از سنت‌ها، حسادت‌ها و رفتارهای مظاهرانه پیشین را با خود حمل می‌کنند. حضور شخصیت‌هایی نظیر ففر، پسر تبیل و بهره‌کش خانواده، و خانم‌بزرگ با ویژگی‌های طنزآمیز، بستر مناسبی برای خلق کمدی موقعیت فراهم آورده است. شخصیت فاطمی، خدمتکار ساده و بااستعداد روستایی، با دیگر اعضای خانواده است. در حالی که فاطمی در محیط جدید به شکوفایی علمی و اخلاقی می‌رسد، خانواده نیک‌اختر درگیر بدهی‌های بانکی، حراج خانه و رقابت‌های پوچ داخلی هستند. نقطه اوج داستان زمانی شکل می‌گیرد که علاقه‌مندی یک جوان تحصیل‌کرده به فاطمی، آتش حسادت و بدرفتاری خانواده را شعله‌ور می‌کند. پزشکزاد از این طریق به نقد صریح نگاه طبقاتی و زورگویی به اقشار ضعیف‌تر می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تظاهر به تجدد، لزوماً به معنای تحول درونی و فرهنگی نیست.

سبک نگارش پزشکزاد در کتاب «خانواده نیک‌اختر»، ترکیبی از جملات کوتاه، دیالوگ‌های هوشمندانه و نثری بسیار روان است که خواندن آن را برای مخاطب عام و خاص دلنشین می‌کند. او با مهارت تمام، تیپ‌های شخصیتی مختلفی را خلق کرده است که هر کدام نمادی از یک جریان اجتماعی هستند؛ از خان‌عمو که به عنوان ناظری منتقد عمل می‌کند تا فرشته که نماد گسست نسلی است.

ایرج پزشکزاد (الف. پ. آشنا) زادهٔ ۱۳۰۶ (خورشیدی) در تهران از نویسندگان و طنزپردازان ایرانی نیمهٔ دوم سده ۲۰ (میلادی) است. او بیشتر به خاطر آفرینش رمان دایی‌جان ناپلئون و شخصیتی به همین نام شناخته می‌شود. در سال ۱۳۵۵ (خورشیدی) مجموعه تلویزیونی دایی‌جان ناپلئون توسط ناصر تقوایی برگرفته از این رمان ساخته شد. کتاب دایی جان ناپلئون در سال ۱۹۹۶ (میلادی) توسط دیک دیویس به زبان انگلیسی برگردان شده‌است. پزشکزاد در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران زاده شد. وی پس از تحصیل در ایران و فرانسه در رشته حقوق دانش‌آموخته شد و به مدت پنج سال در ایران به قضاوت در دادگستری مشغول بود. پس از آن به خدمت در وزارت امور خارجه ایران ادامه داد و آخرین سمتش مدیرکل روابط فرهنگی بود. پزشکزاد در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران زاده شد. وی پس از تحصیل در ایران و فرانسه در رشته حقوق دانش‌آموخته شد و به مدت پنج سال در ایران به قضاوت در دادگستری مشغول بود. پس از آن به خدمت در وزارت امور خارجه ایران ادامه داد و آخرین سمتش مدیرکل روابط فرهنگی بود.

بخشی از کتاب:

خانم بدری نیک اختر با تلفن با خواهرش ملیحه مشغول صحبت است. برای اینکه بتواند ضمناً به آرایش ابروها جلوی آینه ادامه بدهد، بلندگوی تلفن را به کار انداخته است. در نیجه صدای ملیحه نیز شنیده می شود. خانم بزرگ، مادر بدری، در سمت دیگر اتاق نشیمن به چادر نماز سر سجاده نشسته است. نماز را تمام کرده تسبیح می اندازد و کتاب دعا میخواند.

سهم زنی را که کنارت بود فراموش نکن

تصدیق کرد؛ و هنگامی که مردم مرا محروم کردند، او با مالش مرا یاری کرد.»
به این جملات دقت کنیم. پیامبر(ص) موفقیت خود را انکار نکرد، اما نقش



این موضوع سکوت کند. می‌توانست بگوید «من خودم همه کارها را انجام دادم» یا نقش حضرت خدیجه(س) را نادیده بگیرد تا تصویر یک مرد کاملاً مستقل را از خود ارائه کند.

اما چنین نکرد. پیامبر(ص) حقیقت را گفت. او از نعمت و حمایتی که خداوند از طریق حضرت خدیجه(س) در اختیارش قرار داده بود، سخن گفت. این برای همه مردان یک درس بزرگ است: اگر همسرت در موفقیت تو نقش داشته، اعتراف به این نقش، تو را کوچک نمی‌کند؛ بلکه بزرگواری تو را نشان می‌دهد. در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: «به خدا سوگند، خداوند بهتر از خدیجه را نصیب من نکرد؛ هنگامی که مردم به من کفر ورزیدند، او به من ایمان آورد؛ هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند، او مرا

می‌کردند تا بتوانند آنها را به محاصره‌شدگان برسانند.

و سرانجام، آن ثروت عظیم تقریباً تمام شد. زنی که روزی از ثروتمندترین زنان مکه بود، در راه حمایت از پیامبر(ص) و اسلام، دارایی خود را از دست داد.

این همان نقطه‌ای است که باید از خود پرسیم: آیا پیامبر(ص) از اینکه بخشی از امکانات و پیشرفت نهضتش به حمایت مالی حضرت خدیجه(س) وابسته بود، احساس شرمندگی می‌کرد؟

نه‌تنها شرم‌نده نبود، بلکه سال‌ها بعد نیز از خدیجه(س) با عظمت یاد می‌کرد.

پیامبر(ص): «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه سود بخشید» از رسول خدا(ص) نقل شده است: «ما